

رابطه مهارت‌های اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان رابر در سال تحصیلی ۹۶-۹۷

منوره شهابی، اقدس شهابی، مجله حسینخانی
پرسنل شاغل در آموزش و پرورش شهر رابر کرمان
پرسنل شاغل در آموزش و پرورش شهر رابر کرمان
پرسنل شاغل در آموزش و پرورش شهر رابر کرمان

چکیده

این پژوهش در میان ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر پسر و ۵۰ نفر دختر) از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان رابر به روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه ((مهارت‌های اجتماعی ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) و سلامت عمومی (GHQ-۲۸) استفاده شد در گردآوری داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل فرضیات از همبستگی پیرسون و آزمون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی است، بین مهارت‌های اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رابر رابطه معنا داری وجود دارد. بین مهارت‌های اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر رابر رابطه معنا داری وجود دارد بین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر رابر تفاوت معنا داری وجود دارد. بین سلامت روانی دختر و پسر مقطع متوسطه شهر رابر تفاوت معنا داری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی، دانش‌آموزان

مقدمه :

جامعه‌شناسان بر این باورند که سلامتی و بیماری روانی، صرفاً واقعیاتی زیست‌شناختی و یا روان‌شناختی نیستند، بلکه به طور همزمان، دارای ابعاد و ماهیت اجتماعی نیز می‌باشند. (هومن، ۱۳۸۹) عوامل اجتماعی، همان‌گونه که می‌توانند نقش مهمی در ایجاد حفظ و ارتقاء سلامتی ایفا نمایند، در بروز شیوع و تداوم بیماری نیز دارای سهمی اساسی اند به دیگر سخن، گرچه تردیدی نیست که افراد در میزان آسیب‌پذیری نسبت به بیماری‌های روانی با یکدیگر تفاوت‌های زیستی و فردی دارند، اما مسئله این است که میزان این تفاوت‌ها تحت تاثیر موقعیت اجتماعی و حتی مهم‌تر از آن، برداشتی که افراد از آن موقعیت دارند به مراتب بیشتر می‌شود (کوکرین، ۱۳۹۱)

بنابراین در بعد اجتماعی می‌توان این‌گونه به سلامت روانی نگاه کرد که فردی که دارای سلامت روانی مناسبی است، سازگار می‌باشد و از مهارت‌های اجتماعی و سازگاری با محیط برخوردار بوده و می‌تواند آنها را به موقع و در جای خود به کار ببرد برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی جوانان و نوجوانان، نیازهای اساسی شان باید برآورده شود. مانند نیاز به امنیت و نیاز به عشق و علاقه، نیاز به مصاحبت و هم‌نشینی، نیاز به تنوع و گوناگونی و نیاز به رضایت از خود (اکبری، ۱۳۸۹)

سال‌های نوجوانی مرحله دوم و برجسته رشد و تکامل روانی و اجتماعی فرد به شمار می‌رود در این دوره نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی، به ویژه تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویش، خودآگاهی انتخاب هدف‌های واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، برقراری روابط سالم با دیگران، داشتن سلامت روانی، کسب مهارت‌های اجتماعی سالم، شناخت زندگی سالم و موثر از مهمترین نیازهای نوجوان است.